

بیابید ترجمہ کنیم

علی صلح جو



بیایید ترجمه کنیم



بیایید ترجمه کنیم

علی صلح جو



بیابید ترجمه کنیم

علی صلح‌جو

ویرایش: تحریریه‌ی نشر مرکز

حروف‌چینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی: بخش تولید نشر مرکز

طرح جلد: فریبا معزی

© نشر مرکز چاپ اول ۱۳۹۹

شماره‌ی نشر ۱۳۶۲، ۱۴۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۴۸۲-۳

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل لاله، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸

تلفن: ۳-۴۶۲۰۴۸۹۷ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

Email: info@nashr-e-markaz.com

 [nashremarkaz](https://twitter.com/nashremarkaz)

همه‌ی حقوق این اثر محفوظ است.

تکثیر، انتشار، بازنویسی و ترجمه‌ی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه از جمله فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز قبلی و کتبی از ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.



● سرشناسه صلح‌جو، علی، ۱۳۲۳- ● عنوان و نام پدیدآور بیابید ترجمه کنیم / علی صلح‌جو. ● مشخصات ظاهری ۱۵۲ ص.

● یادداشت ص.ع. به انگلیسی Ali Solhjoo. Let's Translate ● یادداشت کتابنامه ● موضوع ترجمه -- روش‌شناسی

● رده‌بندی کنگره ۳۳۰۶ ● رده‌بندی دیویی ۴۱۸/۰۲ ● شماره‌ی کتب‌شناسی ملی ۷۳۲۵۴۷۹

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	بخش اول: چند نمونه ترجمه
۱۳	۱. گسترش تراکم ترافیک
۱۷	۲. سازگاری ژنتیکی
۲۰	۳. مواد غذایی رنگ‌دار
۲۴	۴. اوضاع دهکده در گذشته
۲۷	۵. جراحی قلب
۳۰	۶. پخت‌وپز با اتو
۳۴	۷. رنگ پوست
۳۷	۸. زنان در اروپای قرن یازدهم
۴۲	۹. ورزش در هواپیما
۴۸	۱۰. مردان و زنان بزه‌کار
۵۰	۱۱. لختگی خون روی مغز
۵۵	۱۲. آقای اسلک
۶۰	۱۳. ساعت کار شرکت‌ها
۶۳	۱۴. گستره بوم‌شناسی
۶۹	۱۵. نقش جنسیتی مردان

۷۵	۱۶. شیوه آغاز سخن
۷۹	۱۷. اولین اختراع
۸۴	۱۸. نمایشگاه نقاشی
۸۸	۱۹. رفتار حیوانات
۹۶	۲۰. جان کیت
۱۰۲	۲۱. علم در آن سوی آینه
۱۱۹	۲۲. عشق در بحبوحه مشکلات
۱۳۱	بخش دوم: راهنماها
۱۳۲	واژه‌نامه و نمایه
۱۳۷	استفاده از مراجع
۱۴۴	کتاب‌های راهنما
۱۴۷	تقویت زبان

مقدمه

در این کتاب ۲۲ متن نسبتاً ساده (در سطح کارشناسی مترجمی) را ترجمه می‌کنیم. این متن‌ها را قبلاً در کارگاه‌های ترجمه تدریس کرده‌ام و در اینجا نیز سعی کرده‌ام همان شیوه را ادامه دهم. در ترجمه متن‌ها فقط نخواست‌ام آنها را جمله به جمله ترجمه کنم بلکه خواسته‌ام به شیوه تحلیلی نشان دهم که چگونه به آن ترجمه می‌رسیم. مسائل احتمالی موجود در ترجمه جمله‌ها را برجسته‌تر کرده و راه حل آنها را نشان داده‌ام. همچنین سعی کرده‌ام نشان دهم که ترجمه یک جمله فقط یک صورت درست ندارد. به اصول و روش ترجمه، به مناسبت، اشاره کرده‌ام و در این کار دو نکته در نظر گرفته شده است. اولاً، اصول و روش و به‌طور کلی مسائل نظری ترجمه را فقط در عمل می‌توان به بهترین شکل توضیح داد؛ ثانیاً، برای اینکه بتوانم هرچه بیشتر انواع این موارد را توضیح دهم، سعی کرده‌ام متن‌های انتخاب‌شده، از لحاظ تعداد و تنوع، برای این منظور کافی باشند. و سرانجام اینکه ضمن ترجمه جمله‌ها اشاره به نکته‌های ویرایشی و سبکی نیز در نظر بوده است.

بهترین روش استفاده از این کتاب آن است که ابتدا متن انگلیسی را بخوانید و سپس، بدون نگاه کردن به ترجمه فارسی، جمله به جمله آن را

ترجمه کنید. توصیه می‌کنم پس از ترجمه جمله بلافاصله به ترجمه من نگاه نکنید بلکه ترجمه خودتان را خوب بررسی کنید و وقتی دانستید که هیچ تغییری در آن نمی‌شود داد به جمله من نگاه کنید. در این مقایسه احتمال دارد برخی از ترجمه‌های شما بهتر از ترجمه‌های من باشد، اما امیدوارم در مجموع پولتان بابت خرید این کتاب به‌هدر نرفته باشد.

درباره سطح توانایی مخاطب این کتاب نمی‌توانم دقیق چیزی بگویم. قبلاً گفتم متن‌های انتخاب‌شده در سطح کارشناسی است، اما این موضوع چندان توضیح‌دهنده وضعیت این کتاب نیست. مثلاً، نمی‌شود گفت کسانی می‌توانند از این کتاب استفاده کنند که دست‌کم مدرک کارشناسی داشته باشند. همچنین، نمی‌توان گفت خواندن این کتاب برای دانشجویان رشته ترجمه در سطح کارشناسی و چه‌بسا بالاتر چیزی در بر ندارد. شاید با اشاره به یکی دو ویژگی این کتاب بتوانم تا حدودی محتوای آن را توضیح دهم. اگر بخواهیم براساس سطح متن‌هایی که در این کتاب گرد آمده است داوری کنیم، به نتیجه درستی نمی‌رسیم زیرا متن‌ها عموماً ساده‌اند. در توضیح این موضوع باید بگویم که هدف این کتاب اساساً آموزش زبان انگلیسی نیست. البته در ترجمه متن‌ها ممکن است خواننده با واژه‌ها، ترکیبات و اصطلاحاتی روبه‌رو شود که معنای آنها را نداند یا به منظور نویسنده پی نبرد. طبعاً جست‌وجو برای یافتن معنای این واژه‌ها و درک منظور نویسنده به معلومات زبانی خواننده می‌افزاید. اما این فقط در حد فایده جانبی این کتاب است. درباره سادگی متن‌ها باید به نکته بسیار مهمی اشاره کنم که شاید کمتر به آن توجه شده است: مسائل ترجمه را فقط در فرایند ترجمه متن‌های ساده می‌توان توضیح داد. هدف اصلی من در این کتاب آن است که نشان دهم چگونه این دو نظام (زبان انگلیسی و فارسی) به بهترین صورت روبه‌روی هم قرار می‌گیرند. مسائل و اصولی را که در این فرایند با آن روبه‌رو می‌شویم فقط زمانی می‌توان توضیح داد که فراگیر در ترجمه خود متن مشکل نداشته باشد. مثلاً، «اصل جبران» در ترجمه را با متن‌های ساده بهتر می‌توان توضیح

داد تا با ترجمه قطعه‌ای از آثار جویس یا فاکنر. کسی که با این اصل آشنا بشود، چنانچه بضاعتش در زبان خارجی اجازه دهد، در هر سطحی از ترجمه می‌تواند آن را به کار گیرد. مهم شناخت نمونه‌هایی از این مسائل است، کاری که کوشیده‌ام نه فقط با توضیح بلکه در عمل آن را نشان دهم.

تنوع موضوعی متن‌های کارشده به این معنا نیست که شخص پس از مطالعه این کتاب می‌تواند یا باید در هریک از این حوزه‌ها ترجمه کند. منظور از نوشتن این کتاب کمک به مترجم در معنای عام آن است نه مترجمانی در رشته‌های خاص. اتفاقاً تنوع موضوعات به همین دلیل در نظر گرفته شده است که علاقه‌مندان مسائل ترجمه از زمینه‌های گوناگون به خواندن آن جذب شوند. مسلماً دیر یا زود هر مترجمی به حوزه نسبتاً خاصی علاقه‌مند خواهد شد و آثاری در آن زمینه ترجمه خواهد کرد. اما تجربه نشان داده است مترجمانی که مرحله عمومی را خوب نمی‌گذرانند و بی مقدمه وارد ترجمه تخصصی می‌شوند گاه اشتباهات مضحکی به ترجمه‌هاشان راه می‌یابد.

شایان ذکر است که برخی از قطعات گردآمده در این کتاب دارای عنوان فارسی و انگلیسی‌اند و بعضی فقط عنوان فارسی دارند. گروه اول در اصل دارای عنوان بوده‌اند و برای گروه دوم عنوانی فارسی مناسب متن گذاشته‌ام. در بخش راهنماها موضوعات ذیل را توضیح داده‌ام: واژه‌نامه و نمایه، استفاده از مراجع، کتاب‌های راهنما و تقویت زبان.

سرانجام، بسیار خوش‌وقت‌م که ویرایش این کتاب به‌دست خانم فرزانه طاهری، ویراستار فرهیخته نکته‌بین و بسیار مسئول، انجام شد. سپاس‌گزار ایشانم. همچنین تشکر می‌کنم از آقای علیرضا رمضانی، مدیر نشر مرکز، که چراغ نشرش را بردارانه در این فضای تیره کرونازده روشن نگه داشته است.

ع. صلح‌جو

شهریور ۱۳۹۹

بخش اول

چند نمونه ترجمه

گسترش تراکم ترافیک

As traffic congestion spreads, increasing amounts of time and fuel are wasted. More fumes are released into the air, increasing the likelihood that cities will be covered by smog. The lives of sufferers from chest diseases are endangered. Others find their eyes water and they have a tickling sensation in the nose. The smell of exhaust fumes increasingly covers up nicer smells and scents that are part of the pleasure of life.

As traffic congestion spreads, increasing amounts of time and fuel are wasted.

گسترش تراکم ترافیک زمان و سوخت بیشتری تلف می‌کند.

اشکال این جمله آن است که معنای as در آن لحاظ نشده است. علاوه بر این، در آن از جان‌بخشی (personification) استفاده بیجا شده است. «تلف کردن» عملی است که از موجودات زنده برمی‌آید. فاعل این جمله (گسترش تراکم ترافیک) زنده نیست و نمی‌شود «تلف کردن» را به آن نسبت داد. برای برطرف کردن این دو اشکال، جمله را به یکی از صورت‌های زیر اصلاح می‌کنیم:

گسترش تراکم ترافیک سبب می‌شود زمان و سوخت بیشتری تلف شود.

با گسترش تراکم ترافیک، زمان و سوخت بیشتری تلف می‌شود.

به موازات گسترش تراکم ترافیک، زمان و سوخت بیشتری تلف می‌شود.

هرقدر تراکم ترافیک گسترده‌تر شود، زمان و سوخت بیشتری تلف می‌شود.

هر چهار جمله درست است. اما در جمله آخر تکرار فعل «شدن» ممکن است اندکی ناراضی‌مان کند. برای رفع این مشکل چه باید کرد؟ اولین راه حل استفاده از «گردیدن» به جای یکی از «شدن»‌ها است. اما ویراستاران می‌گویند تا جای ممکن فعل «گردیدن» را به جای «شدن» به کار نبرید. شاید بتوان اینجا را همان «جای ممکن» فرض کرد و فعل «گردیدن» را به کار برد:

هرقدر تراکم ترافیک گسترده‌تر شود، زمان و سوخت بیشتری تلف می‌گردد.

باوجوداین، هنوز دلمان می‌خواهد اینجا را «تا جای ممکن» فرض نکنیم و همچنان به دنبال پیدا کردن راهی برای استفاده نکردن از فعل «گردیدن» باشیم. تأمل‌مان کارساز می‌شود:

هرقدر تراکم ترافیک گسترده‌تر شود، زمان و سوخت بیشتری به‌هدر می‌رود.

مشکل این جمله هم رفع شد. اما هنوز کار تمام نشده است. به ما سفارش کرده‌اند که نگارش فارسی خوب آن است که در آن، تا جای ممکن، واژه خارجی نباشد. ببینیم با واژه «ترافیک» چه باید کرد. جانشین‌های ممکن را مرور می‌کنیم: رفت‌وآمد، آمدو شد، شد‌آمد، ایاب‌ذهاب، عبور و مرور. هیچ‌یک به دل نمی‌نشیند. در این لحظه به خاطر می‌آوریم، در کنار سفارش بالا، این توصیه هم شده است که به واژه‌ها و ترکیبات خارجی جاف‌تاده در زبان فارسی، به‌خصوص اگر نتوان معادل فارسی مناسب برای آنها پیدا کرد، کاری نداشته باشیم. مسئله حل و کار جمله تمام می‌شود. هر چهار ترجمه درست است و از اینجا به بعد انتخاب بر مبنای سلیقه است.

More fumes are released into the air, increasing the likelihood that cities will be covered by smog.

ورود دود بیشتر به هوا احتمال فرو رفتن شهرها را در مه‌دود افزایش می‌دهد.

ممکن است برخی از مترجمان این جمله را به صورت زیر ترجمه کنند:

ورود دود بیشتر به هوا احتمال فرو رفتن شهرها در مه‌دود را افزایش می‌دهد.

بر اساس دستور فارسی، این جمله ایراد دارد. جای درست «را» بعد از مفعول است. مفعول این جمله «شهرها» است نه «شهرها در مه‌دود». البته برخی از زبان‌شناسان جمله بالا را درست می‌دانند و می‌گویند مفعول ممکن است، بر حسب تأکید، قطعات وابسته به مفعول اصلی را هم در بر بگیرد. مثلاً، در همین جمله قطعه «شهرها در مه‌دود» را می‌توان مفعول دانست و «را» را بعد از آن آورد. در این مورد، «را» چه بعد از «شهرها» بیاید چه بعد از «شهرها در مه‌دود» معنی جمله فرق نمی‌کند. اما همیشه این طور نیست:

جزئیات مذاکره دو کشور در قطر را پخش کردند.

در اینجا، برخلاف جمله قبلی، تغییر جای «را» به تغییر معنی می‌انجامد:

جزئیات مذاکره دو کشور را در قطر پخش کردند.

معنای این جمله‌ها با هم فرق دارد. در جمله اول، محل مذاکره معلوم و مکان پخش نامعلوم است. در جمله دوم، این وضع برعکس است. بنابراین، در جابه‌جایی «را»ی پس از مفعول باید به این موضوع توجه داشت.

The lives of sufferers from chest diseases are endangered.

جان بیماران ریوی به خطر می‌افتد.

در ترجمه فارسی، عبارت «بیماران ریوی» در برابر sufferers from chest disease آمده است. چهار کلمه در مقابل دو کلمه.

کاهش و افزایش یکی از سازوکارهای ترجمه است.

مترجمانی که به‌تصور دست‌یافتن به ترجمه «دقیق» هر کلمه را به یک کلمه ترجمه می‌کنند با این سازوکار آشنا نیستند.

Others find their eyes water and they have a tickling sensation in the nose.

عده‌ای نیز دچار آبریزی از چشم و احساس خارش در بینی می‌شوند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، گاه لازم است برخی از «جمع»ها را «مفرد» و بعضی از «مفرد»ها را به صورت «جمع» ترجمه کنیم. مثلاً، در این جمله

«چشم» بهتر از «چشم‌ها» است. قاعده خاصی درباره این موضوع نداریم و باید به شکل جافتاده آنها استناد کنیم. مثلاً، ghost town را «شهر ارواح» می‌گوییم، نه «شهر روح» چون که در فارسی به کار نرفته است.

The smell of exhaust fumes increasingly covers up nicer smells and scents that are part of the pleasure of life.

بوی دود اگزوزها هرچه بیشتر بوها و رایحه‌های دلپذیر را که بخشی از لذت زندگی است از میان می‌برد.

خواندن یکجای متن

هنگام ترجمه متن راهی جز ترجمه کردن جمله به جمله نیست. بنابراین، همه توجه و تلاش ما برای ترجمه بهتر لزوماً از سطح جمله فراتر نمی‌رود. اما متن همیشه حاصل مجموع جمله‌های آن نیست. جمله‌ها برای اینکه متن شوند گاه لازم است تغییراتی را در خود بپذیرند. این تغییرات بیشتر نتیجه مرزهای گفتمانی (discourse borders) و تفاوت آن در زبان‌های گوناگون است. این امر هنگام ترجمه، برخلاف نوشتن، بیشتر پیش می‌آید. جمله‌هایی که ترجمه می‌کنیم، علاوه بر درستی و روان بودن، باید طوری سازمان یافته باشند که ما هنگام خواندن بتوانیم به آسانی از یک جمله به جمله بعدی منتقل شویم و منطق همجواری آنها را درک کنیم. اگرچه این تغییرات همیشه لازم نیست، پس از تمام شدن ترجمه باید یک بار، بدون توجه به متن اصلی و صرفاً با تمرکز بر ارتباط بین جمله‌ای، متن را یکجا خواند.

گسترش تراکم ترافیک

با گسترش تراکم ترافیک، زمان و سوخت بیشتری تلف می‌شود. ورود دود بیشتر به هوا احتمال فرورفتن شهرها را در مه‌دود افزایش می‌دهد. جان بیماران ریوی به خطر می‌افتد. عده‌ای نیز دچار آبریزی از چشم و احساس خارش در بینی می‌شوند. بوی دود اگزوزها هرچه بیشتر بوها و رایحه‌های دلپذیر را که بخشی از لذت زندگی است از میان می‌برد.